

احیای جسورانه لیف و صابون در اورژانس



دکتر امیر رومی

نوید در را محکم بست، هنوز روی میل ننشسته بود که گفت: «جسارت نشه ها! اینکهنه و شما مدیگه رو بازم ببینیم یانه، بیشتر از اینکه به من بستگی داشته باشه، بستگی به شما داره!» دکتر لیخندی زد و یادست به نوید تعارف کرد که روی صندلی بنشیند، «سلام! خوش اومدی.. نوید سریع نشست، «آهان! سلام! جسارت

نشه ها! رک گفتیم که خدای نکرده بعدا دل خوری پیش نیاد!» دکتر گفت: «چرا دل خوری؟» نوید تندتند حرف می زد و هم زمان چیدمان اتاق را با نگاهیش بررسی می کرد، «بین دکتر! اولین بارم نیست که میام مشاوره، جسارت نشه ها! ولی بعید هم بدونم با تجربه ای که از مشاوره های قبلی دارم، آخرین بارم هم باشه. این چندوقت صابون شما مشاورها زیاد به تنم خورده ولی نه تنها چرکی پاک نشده، بلکه هی لایه لایه، صابون روی پوستم جمع شده! اون قدر که کم دارم مسخ می شم به صابون! البته سوء تفاهم نشه ها! چرک نیستم، بابت چکاپ و کنترل کیفی میام مشاوره. بیه جورایی مثل آزمایش خون دوره ای یا این هایی که ماشین رومی برزند تشخیص رنگ! شما ششمین مشاوروی هستی که میام پیشش.. دکتر ته خود کارش را با شست فشار داد، «آهان! الان متوجه شدم.» نوید پرید و وسط حرف دکتر، «شاهداز غیب رسید! همین متوجه شدمی که شما الان گفتی روزیاد شنیده ام ولی تشبیهم ثابت شده که متوجه شدنی در کار نبوده! جسارت نشه ها! ولی باز صدرحمت به اون ها که به کم دیرتر این رومی گفتند، شما که هنوز هیچی نشده، می گی متوجه شدم! چی رو متوجه شدی؟! من که هنوز چیزی نگفته ام!»

اول شخص

یادی از آقای بازیگر در سالروز درگذشتش

لیخندی که تمام نشد



سید نواد اشکنری روزنامه نگار و هنرمند تئاتر

عزت!... انتظامی را اولین بار حدود۱۴سال پیش دیدم. داور جشنواره ملی تئاتر، ماه، بودو در بین اجرای دونمایش در دفتر زنده یاد دکتر سعیدکشن فلاح، مدیر مرکز هنرهای نمایشی حوزه هنری کشور، نشست.بود.او به دلیل اینکه در آن زمان مسئول تئاتر حوزه هنری خراسان رضوی بودم، مرا می شناخت. دعوتم کرد: «سید! بپیا داخل، گفتیم: خیلی دوست دارم با استاد انتظامی مصاحبه کنم. او شرایط مصاحبه را فراهم کرد ولی گفت فقط ۱۰ دقیقه. می دانستم که گفت وگواو برایم کار سختی خواهد بود، چون ۵۰سال فعالیت اوبان همه تجربه در ۱۰ دقیقه نمی گنجید. عصر روز بعد مقابلش نشستم و گفتیم: مشهدی هستیم. خندید. گفتیم: از هنرمندان تئاترم. گفت: برو تئاتر ببین. چرا این قدر اصرار داری کار رسانه ای کنی؟ گفتیم: گفت وگویی من باشما نیز بخشی از فعالیت های تئاتری به شمار می آید. گفت: تئاتر؟ من هم بچه تئاترم. در خانه ای به دنیا آمدم که پشت سانان تئاتر سنگلج قرار داشت. در یک خانواده پرجمعیت. الان پنج برادریم و چهار تا هم خواهر. تحصیلات ابتدایی ام هم در همان محله و در مدرسه عنصری شروع شد. اواخر دوران ابتدایی و فکر کنم حدود ۱۲ سالم بود که برای اولین بار با پاتوق بچه تئاتری های لاله زار آشنا شدم. عزت!... انتظامی با همان لهجه شیرین تهرانی اصیلش از هم دوره ای های هنرمندش نام برد و گفت: در همان زمان عشقم با بازیگری بودم اما به موسیقی ستنی هم علاقه داشتم. پدرم، هم به شدت مخالف این گونه کارها بود. اگر هر در آن سن وسال اجازه داشتم گاهی به تئاتر بروم، به خاطر این بود که فکر می کردم می روم در

تماشاخانه های تئاتر کار برقی بکنم! یک بار پدرم فهمید من در نمایشنامه رادیویی نقشی را خوانده ام. ناراحت شد و دعوایه انداخت اما ۲۰شهریور ۱۳۲۰ وارد لاله زار شدم و وساتئاترهای تخته حوضی کار را به صورت حرفه ای و رسمی آغاز کردم. گفت وگویی من با عزت سیمانی ایران خاطرات شیرینی به همراه داشت. او همان سال، حدود ۸۴سال داشت و به سختی راه می رفت و خیلی سریع خسته می شد. خوشبختانه شرایط مهیا شد و باز هم گفت وگویی ماروز دیگر با لیخند آقای بازیگر آغاز شد. او گفت: از سال ۱۳۵۶ دیگر به تئاتر نیامدم و به سمت سینما گرایش پیدا کردم و اولین بازی ام در فیلم، حدود سال ۴۴ بود. «گاوه اولین فیلمم نبود ولی با این فیلم بود که مطرح شدم. از آن جشنواره آنچه در ذهن من باقی مانده است، اوو گفته هایش است. حالا ما مانده ایم و هنرنمایی او در فیلم های «گاوه»، «آقای هالو»، «ستارخان»، «حاجی واشنگتن»، «کمال الملک»، «آچار نشین ها»، «شیر سنگی»، «کشتی آنجلیکا»، «هامون»، «بانو»، «خانه خلوت»، «ناصرالدین شاه آکتور سینما»، «روز فرشته»، «روسی آبی»، «گراند سینما»، «گاوه خونی»، «جایی برای زندگی»، «حکم»، «خانه ای روی آب»، «شب»، «میانی شهر خاموش»، «زادیوم»، «چهل سالگی»و...

وضعیت هوا ☀ ۲۰٪	دماي هوای مشهد ↓ ۱۸° ↑ ۳۴°
امروز 🌄 صبح ۱۵	امروز 🌆 ظهر ۲۷
فردا 🌄 صبح ۲۲	فردا 🌆 شب ۲۲
اوقات شرعی مشهد 🌅 اذان ظهر ۱۳:۳۵ 🌇 غروب آفتاب ۱۹:۲۰ 🌙 نیمه شب شرعی ۲۳:۴۹ 🌄 طلوع آفتاب فردا ۰۵:۵۴	اوقات شرعی مشهد 🌙 نیمه شب شرعی ۲۳:۴۹ 🌇 غروب آفتاب ۱۹:۲۰ 🌅 اذان صبح فردا ۰۴:۲۰ 🌄 طلوع آفتاب فردا ۰۵:۵۴

سکوت کند تا نوید حرفش را ادامه

بدهد ولی برخلاف انتظار ساکت ماند، بالاخره پرسید «عطر؟» نوید بی درنگ گفت: «بله! عطر!» دیدی به تیکه کاغذ می دهی؟! حالا عطر یا هر چیز دیگه ای می کنند روی مچت تا ببینی چه بویی می ده؟! حالا عطر یا هر چیز دیگه ای که بتونه اشاتنبون داشته باشه! جسارت نشه ها! من از کجا باید بفهمم کدومتون خوبید یا بد؟ یا به کار من میاید یانه؟ جسارت نشه ها! چهار تا از اون شش تا، اسم و رسم دارتر از شما بودند ولی بخاری ازشون بلند نشد! آخری روهم یکی از رفقا معرفی کرد که خب اگه خوب بود که الان اینجا نبودم! لابد الان برات سؤاله که چرا اومدم پیش شما؟» دکتر سعی کرد کنجکاویش را بروز ندهد: «اگه دوست داری بگو!» نوید گفت: «د نشد دیگه! دیدی مردود شدی! دکتر اورژانس از مریض بد حال می پرسه که چرا اومدی پیش من یا به جای صغری کبری چیدن، نجاتش می ده؟» دکتر از حرف نوید غافل گیر شد: «تو خواستی که من بپرسم! ضمنا خودت گفتی چرک هم نیستی و اومدی کنترل کیفی، چه پرسه به بد حال و اورژانسی! جسارت نشه ها!» نوید از روی میل بلند شد و به سمت در رفت، «اگه به حرف باشه که شما هم می گی مشاوری، خوبه من بگم نیستی؟!»

پلاک را گرفتیم و کشف هایش را به دستش دادم و گفتیم: زیارت قبول... ان شاء... گفت. اما با نااحتی! سن و سالش بیشتر از ۳۵ نشان نمی داد. جوانی بود که مثل خیلی از جوان های دیگر همان روز خدمت کشیکم در کفشداری حرم مطهر دیدمش، اما گویا با بقیه فرق داشت و نااحتی اش برابم سؤال برانگیز بود. هر طور بود علت ابروهای درهم فرو رفته اش، آن هم بعد از پایان زیارت را پرسیدم. گفت وگویمان به اینجا رسید که از نذرش بگویم و نااحتی ای که به آن برمی گشت، نذر کرده بودم از ۱۴۰۰ کیوتری که دارم هزار تایی را به حرم امام رضا^ع هدیه کنم اما مسئولان می گویند از پذیرفتن این همه کیوتر معذوریم! «کم ی او صحبت کردم و دل داری اش دادم و برایش از روی سلامت و عاقبت به خیری کردم. اما واقعا داستان کیوتران حرم چیست؟» بارگاه امام هشتم شیعیان، مکانی امن برای همه، حتی جانوران است و کیوتران این پرندگان که مطهر مهربانی اند تصویرشان در گوشه گوشه حرم امام رضا^ع آن قدر تصویر آشنایی شده است که کمتر کسی به داستان زندگی آن ها فکر می کند، اینکه از کجا آمده اند و در داخل حرم چطور به زندگی شان ادامه می دهند؟ بسیاری از زائران که از نقاط دور و نزدیک به زیارت این بارگاه می آیند، نذرشان را با غذا دادن به آن ها یا آزاد کردنشان در آستان حرم ادامه می کنند،

وضعیت هوا ☀ ۲۰٪	دماي هوای مشهد ↓ ۱۸° ↑ ۳۴°
امروز 🌄 صبح ۱۵	امروز 🌆 ظهر ۲۷
فردا 🌄 صبح ۲۲	فردا 🌆 شب ۲۲
اوقات شرعی مشهد 🌅 اذان ظهر ۱۳:۳۵ 🌇 غروب آفتاب ۱۹:۲۰ 🌙 نیمه شب شرعی ۲۳:۴۹ 🌄 طلوع آفتاب فردا ۰۵:۵۴	اوقات شرعی مشهد 🌙 نیمه شب شرعی ۲۳:۴۹ 🌇 غروب آفتاب ۱۹:۲۰ 🌅 اذان صبح فردا ۰۴:۲۰ 🌄 طلوع آفتاب فردا ۰۵:۵۴

میثاق نامه اخلاق حرفه ای

روایت از زائر

کیوتر حرم



رضا کسنوی یزدی

خادم حرم مطهر رضوی

کیوترانی که ازادورها در آسمان حرم می چرخند و دور می زنند، در خانه ای که صاحبش امام مهربانی هاست. در واقع صحن های حرم مطهر و ورودی های آن، محل نشست و برخاست کیوتران است. هر جایی می نشینند. روی سقف سقاخانه ها، طاق ها، طاق نماها، گاهی روی لوسترو و گنبدها و گاهی دور ضریح مطهر، درست آنجا که دایره نیازمندان لطف رضا^ع تنگ تر می شود. اگر سر بلند کنید می بینید، کیوترانی را که در هستی های بالای ضریح کز کرده اند و چشم دوخته اند به اشک و نیازها. برای همین است که می توان گفت این پرندگان هدایی زیبا، دیگر جزئی از حرم شده اند. البته کسی تاریخچه حضور آن ها را ندارد اما نسل کیوترها با نسل های گذشته تغییر کرده است. یعنی دیگر فقط کیوتر چاهی نیستند و هر نژادی رامی توان در بینشان یافت، زیرا افراد زیادی کیوترهای شخصی شان رامی آورند و در حرم رامی کنند. کسانی که یا نذر دارند یا دوست دارند کیوترشان را اهدا کنند. امروز که سامان دهی در حرم مطهر به کیوترها هم رسیده است در مکان های مشخص شده، کیوترهای حرم رامی بینید که درهم می پیچند و می چرخند و زائران را می بینید که گندم برای آن ها می پاشند. حتی همین گندم پاشیدن هم از نذرهای قدیمی حرم مطهر است که خیلی هابه آن عقیده دارند و برای عاقبت به خیر شدن بچه هایشان این کار را می کنند. دانه پاشیدن برای کیوتران تقریبا تنها نذری است که دارا و ندار نمی شناسد.



زیارت امام رضا^ع پس از سربازی

علیرضا کمالی که به تازگی خدمت سربازی اش را به پایان رسانده است از شهر بندرعباس به همراه نامزدش برای زیارت امام رضا^ع به مشهد سفر کرده است. اومی گوید پیش از رفتنش به خدمت، به پایوسی آقا آمده و آرزو داشته پس از پایان خدمت سربازی نیز توفیق زیارت بارگاه رضوی نصیبش شود.

عکس: احمد حسینی | شهر آرا

روایت روز

خداقوت آقای پاکبان

سید محمد رضا هاشمی

من عادت دارم به هم محلی ها، سوپرمارکت و همسایه هایی که در راه رفتن از خانه و بازگشت به خانه می بینمشان سلام کنم. صبح ها که به مقصد روزنامه از خانه بیرون می زنم اولین کسی که می بینم پاکبانی است که سال هاست زحمت کارهای نظافت کوچه ها و خیابان های محله مارا می کشد. من به او هم سلام می دهم، احوالش را می پرسم و بعد از خداقوت راهم را ادامه می دهم. بعضی روزها می بینم پاکبان مهربان محله نشسته روی زمین و همسایه برایش صبحانه آورده و او مشغول خوردن صبحانه است. این خیلی کار ارزشمندی است که ما قدردان فردی باشیم که صبح زود با جاروبه جان کوچه می افتد و درحالی که خسته است یک لیوان چای داغ همراه با نان و پنیر بدهیم دستش تا هم خستگی اش را بگیرد و هم صبحانه خورده باشد.



شنبه

۴شنبه

Mashhadchehreh.ir

Photoshahr.ir

- روزنامه فرهنگی- اجتماعی- اطلاع رسانی
- صاحب امتیاز و مدیر مسئول:
- شهرداری مشهد
- مدیر عامل:
- سید میثم موسوی مهر
- سردبیر:
- سید سجاد طلوع هاشمی
- نشانی: میهن شهد
- نبش دانشگاه ۱
- دفتر مرکزی:
- ۵ - ۳۷۲۸۸۸۱۱
- نمایان: ۳۷۲۲۸۳۱۰
- روابط عمومی: ۳۷۲۴۴۳۱۰
- شماره پیامک: ۳۰۰۰۷۲۸۹

کارتون شهر



دبیر کل کانون صرافان:

پیش بینی می شود بازار ارز در روزهای آینده نیز روند کاهشی داشته باشد.

رضا جنگی

شوخی بی شوخی

معاینه خودرو با سیخ!



مهدی محمدی

من خودم شخصا سال ۹۸ که نرخ معاینه فنی خودروهای سبک بنزینی ۳۷ هزار تومان بود به یکی از مراکز معاینه فنی رفتم که بابت معاینه گفتند باید ۴۰ هزار تومان بدهم. وقتی پرسیدم که نرخ مصوب ۳۷ هزار تومان است گفتند آن سه هزار تومان، هزینه پرس کردن کارت معاینه فنی است. یعنی این قدر کار راه انداز بودند که به طور پیش فرض قبل از انجام تست، خودرو من در امتحان قبول شده بود و اصلا مهم نبود که نتیجه تونل معاینه چه خواهد بود.

شما هم در جریان هستید که خیلی از پزشکان فوق تخصص شهر مریض ها را به صورت گروهی و سه، چهار نفره ویزیت می کنند و فقط یک قاشق بستنی توی دهان مریض گذاشته و بدون هیچ سؤالی نسخه و دارو می نویسند. معاینه یک انسان با یک قاشق بستنی قابلیت معاینه شدن دارد خوب چه اشکالی دارد که یک ماشین با سیخ کباب توی آگزشو

شما هم در جریان هستید که خیلی از پزشکان فوق تخصص شهر مریض ها را به صورت گروهی و سه، چهار نفره ویزیت می کنند و فقط یک قاشق بستنی توی دهان مریض گذاشته و بدون هیچ سؤالی نسخه و دارو می نویسند. معاینه یک انسان با یک قاشق بستنی قابلیت معاینه شدن دارد خوب چه اشکالی دارد که یک ماشین با سیخ کباب توی آگزشو

شما هم در جریان هستید که خیلی از پزشکان فوق تخصص شهر مریض ها را به صورت گروهی و سه، چهار نفره ویزیت می کنند و فقط یک قاشق بستنی توی دهان مریض گذاشته و بدون هیچ سؤالی نسخه و دارو می نویسند. معاینه یک انسان با یک قاشق بستنی قابلیت معاینه شدن دارد خوب چه اشکالی دارد که یک ماشین با سیخ کباب توی آگزشو

به روایت دبیران

حقوق ها افزایش می یابد؟

موضوع نیست و خبر می رسد سازمان اداری و استخدامی بنا بر تکالیف قانونی خود یک الگوی جدید برای ترمیم حقوق شاغلان و بازنشستگان ارائه کرده است. برای مطالعه کامل این گزارش می توانید کد روبرو را اسکن کنید.



پس از آنکه دولت اصلاح بودجه ۱۴۰۱ و پرداخت عادلانه حقوق را مطرح کرد این روزها این موضوع سرخط خبرهای رسانه های بسیاری شده است. روزنامه جام جم روز سه شنبه تیتریک خود را به همین موضوع اختصاص داده و نوشته است: گمانه زنی های مختلفی در مورد افزایش مجدد حقوق ها شکل گرفت اما هنوز خبر دقیقی از این